

بررسی معنایی واژه خسران در قرآن کریم با تکیه بر مضامین سوره

عصر

سید ضیاءالدین علیا نسب*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

حسین جلائی نوبری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۳

اشرف تنومند***

چکیده

صحابه رسول خدا(ص) از فضای نزول و لغات بکار رفته در آیات قرآن، آگاه بودند و در اکثر موارد، مراد آیات الهی را می‌فهمیدند، اما با گذشت زمان و روی آوردن اهل عجم به دین اسلام، معنای برخی از آیات برای مخاطبان نسل‌های بعدی مشکل گردید. یکی از راه‌های شناخت معنای آیات الهی، دقت در تک‌واژه‌های قرآنی و مطالعه سیاق کلمات و عبارات قرآنی است. از این روی، نوشتار حاضر، به روش توصیفی تحلیلی در صدد تبیین واژه خَسِرَ و خُسْران از آیات قرآنی با تأکید بر سوره عصر انجام گرفته و با مفهوم شناسی این واژه و دیدگاه مفسران برجسته در مورد وجوه خسران در قرآن، و مصادیق خاسران بدین نتیجه رسید که؛ خسران در لغت به معنای کم شدن و زیان کردن و نیز گمراهی و ضلالت است. واژه خَسِرَ با مشتقاتش ۶۵ بار در قرآن به کار رفته و سوره عصر نیز به طور ویژه به عوامل خسران و راه‌های نجات از آن پرداخته است. بنابراین خسران به معنای باختن سرمایه اعم از سرمایه‌های مادی یا معنوی است. سرمایه معنوی انسان عمر اوست که با ایمان به خدا، پیامبر، قرآن کریم، ولایت امام علی(ع) و انجام اعمال صالح است که عامل نجات از زیان می‌باشد همانگونه که توصیه به حق و صبر سبب فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت می‌گردد.

کلیدواژگان: قرآن، معناشناسی، خسران، سوره عصر.

olyanasabz@tbzmed.ac.ir

nobarah@tbzmed.ac.ir

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه(ع) قم.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

*** طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن حوزه الزهرا(س) تبریز.

نویسنده مسئول: حسین جلائی نوبری

مقدمه

خدای حکیم، انسان را برای رسیدن به مقام بالای معنوی، نه برای زندگی زودگذر چند روزه بل بدان منظور آفریده که خود را در مقابل هوا و هوس و شیطان درون و بیرون، به قله رفیع کمال برساند. مهم آن است که انسان بتواند راهها و عوامل فلاح و رستگاری و رسیدن به این قله را شناخته و با موانع و اسباب خسران و زیان مبارزه کند. انسان بر اساس دارا بودن عقل، در تلاش است تا طوری عمل کند که زیانی متوجه‌اش نشود و این امر، محقق نمی‌شود جز با شناختن عواملی که سبب از بین رفتن سرمایه مادی یا معنوی‌اش شود. بنابراین، شناختن عوامل نجات و سعادت انسان از زیانکاری واجب می‌نماید. در اینجا سؤالی مهم پیش می‌آید که خسران چیست و خداوند متعال که هدایت‌گر اولیه و نهایی انسان به سوی سعادت است چه راهکارهایی را برای جلوگیری از خسران انسان معرفی کرده است؟ رجوع به قرآن و شناخت معنای خسران و آیات مربوط به خسران به ویژه سوره عصر، محور این تحقیق است که به طور صریح و مستقیم به مسأله خسران می‌پردازد.

در این زمینه دو مورد رساله کار شده است که اولی «خسران از دیدگاه قرآن کریم» نوشته نجمه فرزانه‌خو و دیگری «عوامل و پیامدهای خسران در آینه قرآن و حدیث» نوشته اکرم دریانی چاپ ۱۳۸۱ش، سرای قلم تهران است. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای با بررسی ترجمه آیات مربوط به خسران و تفسیرشان به این سؤالات جواب می‌دهد که:

۱. خسران چیست؟

۲. انواع وجوه خسران در قرآن چیست؟

۳. مصادیق خاسران چه کسانی هستند؟

۴. عوامل نجات از زیانکاری چیست؟

معناشناسی واژه خسران

خسران از ریشه خ-س-ر و به معنای نقصان، هلاکت، زیان، و گمراهی است. مصدر آن خسارت است که به معنای کم شدن وزن و کیلو است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۹۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۳۸). به طور کلی خسران در لغت به معنی زیان کردن،

يُجْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلِتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾ (زمر / ۶۵) و همچنین پیروی از شیطان و هوای نفس و لذت جویی ﴿وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (نساء / ۱۱۹) و ﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (اعراف / ۹۹) و دیگری عوامل عملی همچون ظلم به خویشتن ﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (سوری / ۴۵) و فسق و غفلت از یاد خدا مانند آیه ۲۷ بقره. این دو دسته عوامل سبب مادی گری و دنیا طلبی انسان شده و در نتیجه سبب احاطه شیطان بر انسان می شوند. در نتیجه می بینیم آنچه که در کاربرد قرآنی خسران بارز است پیوند آن با مفهوم کفر و مفاهیم هم سنخ آن است به طوری که انسان هر چقدر بیش تر در کفر غرق شود خسران وی نیز افزون تر خواهد شد (فاطر / ۳۹).

واژه های مترادف خسران در قرآن

واژه های تَتَّبِعُ (هود / ۱۰۱)، تَبَابٌ (غافر / ۳۷)، تَبَّتْ وَتَبَّتْ (مسد / ۱) و خَائِبِينَ (آل عمران / ۱۲۷) و خَابَ (ابراهیم / ۱۵؛ طه / ۱۱۱ و ۱۱۲؛ شمس / ۱۰) از واژه های مترادف با خسران در قرآن کریم است.

معنای اصطلاحی خسران

خسران درباره دستاوردهای زندگی مثل مال و مقام دنیایی است که بیش تر هم چنین است، به کار می رود و همینطور در زیان مندی دستاوردها و نتایجی که از حالات نفسانی حاصل می شود مثل از دست دادن صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۲) و این قسمت دوم یعنی زیان نفسانی و روانی همان است که خدای تعالی آن را خسران مبین نامیده است.

انواع خسران

الف. خسران مادی

خسران مادی همان خسران و نقصان در داشته ها و ذخایر مادی است یعنی آسیب یا از دست رفتن سرمایه های مالی انسان.

ب. خسران معنوی

خسران معنوی خسروانی است که به سرمایه‌های معنوی انسان وارد می‌آید. یعنی اگر انسان در رشد و پرورش استعداد‌های ذاتی و قابلیت‌های درونی کوتاهی کند دچار خسران وجودی یا معنوی می‌شود.

مصادیق خاسران در قرآن

خاسران کسانی هستند که عهد خدا را می‌شکنند و روی زمین فساد می‌کنند (بقره/ ۲۷) و به کتاب خدا کافر شده و نسبت به آن حق شناسی نمی‌کنند (بقره/ ۱۲۱ و یونس/ ۹۵). این خسران، به اعتقاد مفسران، همانند خسران حقیقی است که بر خلاف زیان‌های دنیوی، پایدار و جبران‌ناپذیر بوده و موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی است و قرآن از آن به "خسران مبین" یعنی هلاکت آشکار تعبیر کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ذیل آیه ۱۵ سوره زمر؛ طوسی، بی تا: ذیل آیه ۱۵ سوره زمر). همچنین در قرآن کسانی که به سبب بدگمانی به خداوند در ایمان‌شان پایدار نیستند و با گرفتار شدن به کم‌ترین سختی و نقصی در زندگی از دین خود برمی‌گردند نیز در خسران مبین‌اند (حج/ ۱۱) زیرا هم در دنیا دچار نقص و کمبود شده‌اند و هم به سبب دست برداشتن از ایمان خود، ثواب صبر بر سختی‌ها را از دست می‌دهند و به عذاب خداوند گرفتار می‌شوند (طبری، ۱۴۱۲: ذیل آیه ۱۱ سوره حج). طایفه خاسر دو طایفه‌اند: یکی آن‌هایی که از جمیع جهات خاسرند نظیر کفار معاند حق و مخلد در عذاب. دوم آن‌هایی که در بعضی جهات خاسرند مانند مؤمنانی که مرتکب فسق می‌شوند و مخلد در آتش نیستند چند صباحی عذاب می‌بینند بعد عذاب‌شان پایان می‌پذیرد و مشمول شفاعت و نظیر آن می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۵۷).

خسران در سوره عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

به فرموده امام صادق (ع) عصر، عصر خروج قائم (ع) است و «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» یعنی دشمنان ما (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۷۲).
 «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» جواب قسم است و انسان اسم جنس (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۸۱۵) و معنی آن این است که انسان در نقصان است برای اینکه عمرش هر روز کم می‌شود و عمر سرمایه اوست. پس اگر راس مال‌اش برود و طاعت کسب نکرده باشد در نقصان خواهد بود و در طول زمان زیان می‌کند، زبانی که بزرگ‌تر از استحقاق عقاب دائمی زبانی نیست (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۸۱۵).
 سرمایه‌های وجودی انسان هر روز کاهش می‌یابد و او همواره زیان می‌بیند چون سرمایه عمر، استعداد، نیروهای جسمانی و روحانی‌اش، رو به تحلیل و تقلیل است و سیر فروگاشی دارد.

طبیعت زندگی در بازار دنیا

پس از سوگند در آغاز آیه، در پاسخ این سوگند به طبیعت انسان در بازار دنیا توجه داده است؛ چراکه انسان در زندگی به طور طبیعی به سرمایه داری بزرگ می‌ماند که سرمایه‌ای بسیار ارزشمند و هنگفت در اختیار اوست، اما هر لحظه بخش‌هایی از آن را در راه زندگی به طور طبیعی از دست می‌دهد، چراکه:

الف. از سویی در هر لحظه لحظه زندگی دستگاه‌های گوناگون جسم او استعداد طبیعی خود را سخاوتمندانه مصرف می‌کنند و به پایان طبیعی کار خود نزدیک می‌شوند.

ب. از سوی دیگر جوانی، عمر، فرصت‌های زندگی، سلامتی، ثروت، قدرت و دیگر نعمت‌های ظاهری و مادی به تدریج جای خود را به پیری، بیماری، گرفتاری، نیاز و سرانجام پایان زندگی و مرگ خالی می‌کنند.

ج. از سوی سوم، سرمایه‌های درونی، نظیر دستگاه خرد و اندیشه، ذهن و یادگیری، عشق و هنرجویی، کمال طلبی و آرمان خواهی شور و طراوت و کارآیی خود را از دست می‌دهند... قرآن در این مورد می‌فرماید: ﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس/۶۸):

«و هر کس را عمر دراز دهیم او را از نظر خلقت فرو کاسته و شکننده می‌گردانیم؛ آیا خرد خود را به کار نمی‌گیرید؟»

امیر مؤمنان می‌فرماید: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ» (نهج البلاغه: ح ۷۱): «نفس‌های هر انسانی گام‌های او به سوی پایان زندگی‌اش در این سراسر است».

د. فاجعه اینجاست که کسی افزون بر آن سه زیان بزرگ، به زیان معنوی گرفتار آید و ایمان و اخلاص، سلامت روان و خرد، امانت و امانتداری، وفا و صفا، راستی و درستکاری و یا سرمایه‌های وجودی خود را از کف دهد و به پایمال کردن حقوق مردم و ابزار سلطه و سرکوب ساختن همه چیز، حتی مفاهیم و واژه‌های مقدس روی آورد.

با این بیان، طبیعت زندگی این جهان، خواه و ناخواه هر لحظه برابر است با از دست دادن بخشی از سرمایه‌های جبران‌ناپذیر ظاهری و باطنی... و اگر تدبیری اندیشیده نشود، با از دست دادن همه چیز، به زیانکاری آشکار و یا به بیان قرآن به «خسران آشکار» گرفتار می‌آید.

امام صادق (ع) در هشدار از این خطر سهمگین می‌فرماید: «خَابَ الْوَأْفِدُونَ عَلَيَّ غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ» (مجلسی، ۱۳۹۵، ج ۹۵: ۳۸۹): «آنان که بار سفر به سوی غیر تو بندند و بر غیر وارد گردند نومید و سرافکنده‌اند، و آنان که به جز تو روی آورند زیانکارند».

و امام هادی (ع) می‌فرماید: «الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۱): «دنیا بازاری بزرگ است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی دیگر دستخوش زیان می‌گردند، اینک باید اندیشید که چگونه می‌توان از زیان و خسران نجات یافت و برنده بود؟».

علامه طباطبایی می‌فرماید: «نکره بودن «خسر» برای تعظیم است و احتمالاً نوع است؛ یعنی نوعی از زیان، غیر از زیان مالی و آبرویی، بلکه خسران در ذات باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۵۶).

در قرآن می‌فرماید که انسان حیات ابدی دارد و با مرگ قطع نمی‌شود و همانا مرگ انتقال از سرایی به سرای دیگر است (واقعه/ ۶۱). همانا زندگانی (حیات) برای انسان رأس المال است که با آن کسب می‌کند، زندگی می‌کند و اگر حق را در قول و فعل

پیروی کند، تجارت‌اش سود می‌دهد و کسب او برکت پیدا کرده و در آینده از شرّ حفظ می‌کند و اگر باطل را پیروی کند و از ایمان و عمل صالح روی برگرداند در تجارت‌اش زیان می‌کند و در آخرت خیر نمی‌بیند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۵۷) لذا خسران و عدم خسران هم‌طراز با شقاوت و سعادت انسان شمرده شده و وجود و عدم آن سرنوشت او را تعیین می‌کند.

آثار خسران

خسران یکی از رذایلی است، که آثار دنیوی و اخروی بسیار متعددی در آیات و روایات برای آن شمرده شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. آثار دنیوی

۱. محرومیت از هدایت الهی: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... کسانی که لقای خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند» (یونس / ۴۵).
- انسان خاسر، به دلیل تکذیب و انکار و اصرار بر گناه و لجاجت و... آمادگی هدایت ندارد؛ چراکه قلب‌اش تاریک و روح‌اش ظلمانی است، لذا بهره‌ای از هدایت در دنیا و ثمرات آن در آخرت نمی‌برد.
۲. ابتلاء به عقوبت دنیوی: یکی دیگر از آثار خسران در دنیا کیفرها و بلاهای ناگهانی است که خداوند در دنیا بدون هیچ مقدمه‌ای بر سر انسان فرود می‌آورد: «آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟ در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند» (اعراف / ۹۹).
۳. حبط اعمال: خداوند در سوره هود می‌فرماید: «(ولی) آن‌ها در آخرت، جز آتش (سهمی) نخواهند داشت و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می‌رود و آنچه را عمل می‌کردند، باطل و بی اثر می‌شود» (هود/۱۶). آری، انسان سالیان دراز زحمت می‌کشد و با مشقت فراوان سرمایه‌ای می‌اندوزد، ولی با یک ندانم کاری و با یک هوس‌بازی آن را از دست می‌دهد.

ب. آثار اخروی

۱. حسرت خوردن: خداوند می‌فرماید: «آن‌ها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند (و این تکذیب ادامه می‌یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید، می‌گویند: ای افسوس بر ما که درباره آن کوتاهی کردیم...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۵).

۲. اقامه نشدن ترازوی عمل (کهف / ۳۱): نابودی و گم شدن اعمال یکی دیگر از آثار اخروی خسران است. اهمال چنین افرادی، به دلیل اینکه هیچ آثاری از آن‌ها دیده نمی‌شود و مورد استفاده نیز قرار نمی‌گیرند، گم و نابود می‌شود، همانند خاکستری در برابر یک طوفان عظیم (همان، ج ۱۲: ۵۶۱).

مصدق خاسران در روایات تفسیری سوره عصر

قرآن شرط خروج از دایره خسران را پیوستن به اهل ایمان و انجام دادن عمل صالح و توصیه یکدیگر به حق و صبر بر طاعت خداوند دانسته است:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ﴾ (بقره / ۱۲۱)

کسانی که به ولایت / امیر / المؤمنین (ع) «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» و ذریه ایشان ایمان آورده و «تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» و بر آن صبر کنند و به آن توصیه کنند از اهل خسران استثنا می‌شوند (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۲۷: ۴۴۱).

در «مجمع البیان» آمده: «از جمله مردم خاسر، مؤمنین و مصدقین به توحید خدای دو عالم خارج می‌شوند که البته باید همراه با طاعت خدا و وصیت کردن به تبعیت از حق و اجتناب از باطل و صبر در سختی‌های طاعت خدا و صبر بر معصیت خدا باشد (انجام ندهند)» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۸۱۵).

عوامل درونی نجات و سعادت انسان از زیانکاری (با توجه به سوره عصر)

الف. ایمان (إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا): ایمان زیربنای فعالیت‌های فکری و اعتقادی انسان است مانند ایمان به خدا، معاد، نبوت و امامت.

ب. کارهای شایسته یا عمل صالح (عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ): کارهای نیک، نوعی خدمت به خویش و مردم است مانند عبادت، علم آموزی، کمک مادی و معنوی به مردم و پرورش اخلاقی.

ایمان و عمل صالح: ایمان در لغت به معنای وثوق، تصدیق و اطمینان است و در فارسی به معنای گرویدن است (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۲۴-۳۲۶). ایمان و عمل صالح در بیش تر آیات قرآن در کنار هم آمده است؛ زیرا ایمان، باعث ایجاد انگیزه و کشش انسان به سوی خدا و رفتارهای شایسته است. شهید مطهری می گوید: «ایمان هم قادر است جلوی انسان را از منفعت پرستی تا حد زیادی بگیرد. آن وقت عقل هم انسان را به سوی همان مطلوب پیش می برد» (عصر/۴).

ج. دعوت به حق (تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ): دعوت کردن عموم مردم به حق و فراخوانی به وسیله ارشاد، تشویق، تعلیم، امر به معروف و نهی از منکر.

د. دعوت به صبر و شکیبایی (تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ): البته بعد از مخلص شدن فرد به صبر و شکیبایی، در مرحله بعد باید عموم مردم را به صبر توصیه کند که در مقابل مشکلات و گناهان صبور باشند همچنین در انجام وظایف و عبادات (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ش، ج ۱: ۵۰۸ و ۵۰۹).

عوامل بیرونی نجات و سعادت انسان از زیانکاری (با توجه به سوره عصر)

الف. فضل و رحمت الهی: ابو العالیه می گوید: «فضل خدا ایمان است و رحمت او قرآن. قرآن می فرماید: «سپس شما پس از این روی گردان شدید، و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید» (بقره/۶۴). علت اینکه ایمان بنی اسرائیل و توبه آنان فضل خدا شمرده شده است این است که فضل و تقدیر خدا سبب آن شد و یا ممکن است منظور از فضل خدا این باشد که پس از روی گرداندن و بازگشت بنی اسرائیل خداوند آنان را هلاک نکرد و مهلت داد تا توبه کنند و گرنه قطعاً هلاک می شدند» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۱۱۷).

ب. هدایت الهی: خداوند در قرآن می فرماید: «آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست و کسانی را که (به خاطر اعمال شان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی)

آن‌ها هستند» (اعراف/ ۱۷۸). «هدایت و ضلالت، نه جنبه اجباری دارند و نه بدون دلیل و بی حساب است. منظور از فراهم ساختن این دو، فراهم ساختن زمینه‌های هدایت یا بازگرفتن اینگونه زمینه‌هاست؛ آن هم به خاطر اعمال نیک و بدی که انسان قبلاً آن را انجام داده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۱۷)

ج. اسلام: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ابراهیم نه یهودی بود نه نصاری، بلکه موحدی خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود» (آل عمران/ ۶۷). بنابراین هر کس از این آئین الهی خارج شود و هر دینی را به هر نامی انتخاب کند، از خاسرین و زیانکاران در دنیا و آخرت خواهد بود.

مناسب است آیات دیگری از قرآن کریم را که راهکارهای نجات از خسران را یادآور شده‌اند نیز مروری اجمالی بکنیم آیه ﴿تَتَوَلَّوْا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (بقره/ ۶۴) فضل و رحمت الهی و آیات ﴿قَالَ رَبُّنَا ظَلَمَنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّنُمْتَغِرُ لَنَأْوِزِحْمَنَا رَبُّنَا وَيَعْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف/ ۲۳) و ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرِحْ رَبُّنَا رَبُّنَا وَنَعْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف/ ۱۴۹) نیز آمرزش و رحمت الهی را مایه نجات از خسران می‌دانند.

البته ترک ظلم، کفر، شرک و چیزهایی که زمینه ساز و عامل زیانکاری اند نیز سبب نجات از خسران خواهد شد.

نتیجه بحث

طبق آیات قرآن همه انسان‌ها در حال زیان‌اند، مگر کسانی که سرمایه‌های وجودی خود را در راه ایمان و عمل شایسته صرف کرده و زندگی معنوی پرسودی داشته باشند. بی ایمانی و برکت عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است چون شخص موجبات غفران و رحمت الهی را از دست می‌دهد و مستوجب عقاب دائمی و عذاب اخروی خواهد شد.

برای همین است که خداوند متعال با دلسوزی فراوان به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مراقب عمر خود باشند که هر لحظه در گذر است و برای جبران خسارت ناشی از گذر آن، تلاش کنند و آن تلاش چیزی نیست جز حق‌پذیری و دفاع از حق، شکیبایی در

طاعت خدا و معصیت‌اش و دوری از کفر و شرک و وسوسه‌های شیطان اغوا کننده. بر این اساس بر همه انسان‌ها واجب است به توصیه‌های جدی قرآن عمل کنند و خود را در معرض خسران ابدی قرار ندهند.



کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه حسین طباطبایی.

نهج البلاغه.

- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: چاپ سوم، دار صادر.
- بهرامپور، ابوالفضل. ۱۳۸۴ش، تفسیر و تجزیه و ترکیب قرآن، تهران: چاپ اول، آوای قرآن.
- حرانی، حسن بن شعبه. ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- خسروی حسینی، سید غلامرضا. ۱۳۷۵ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، لغتنامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از پژوهشگران قرآن. ۱۳۸۹ش، تفسیر قرآن کریم، قم: چاپ اول، عصر ظهور.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: چاپ سوم، ناصر خسرو.
- طبری، ابو جعفر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: چاپ اول، دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، العین، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی.
- فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران: چاپ دوم، انتشارات الصدر.
- قریشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، تهران: چاپ ششم، دار الکتب اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷ش، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۴۱۲ق، تفسیر قمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۳۹۵، بحار الأنوار، تهران: المکتبة الاسلامیة.
- مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت: چاپ سوم، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵ش، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۸۳ش، تفسیر نمونه، تهران: چاپ سی و نهم، دار الکتب الاسلامیة.

موسوی همدانی، محمد باقر. ۱۳۷۴ ش، ترجمه قرآن کریم از تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی حوزه علمیه.

Bibliography

- Holy Qur'an, Translated by Hossein Tabatabaei
Nahj al-Balaghah
Ibn Farsi, Ahmad, 1404, Mojtaba Maqayes al-Logha, Qom, First edition, School of Islamic Al-Elam
Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mokarram, 1414, Lessan al- Arab, Beirut, Third Edition, Dare- saad
Bahrapour, Abolfazl, 2005, Interpretation and Analysis of the Qur'an, Tehran, First Edition, Publisher of the Voice of the Qur'an
Harani, Hassan Ibn Shaabeh, 1404, Tohaf al-oqul, Qom, Publications of the Teachers Society
Khosravi Hosseini, Seyyed Gholamreza, 1375, Translation and Research of the Quranic Narrations, Tehran, Mortazavi
Dehkhoda, Ali Akbar, 1998, Dictionary, University of Tehran, Publishing and Printing Institute
Ragheb Isfahani, Hossein Ibn Mohammad, 1412, Narrations about Qur'an, Beirut, Dar al-Qur'an
Rezaeei Isfahani, Mohammad Ali, a Number of Quranic Researchers, 1389, Holy Qur'an Interpretation, Qom, First Edition, New Ear
Tabatabaei, Mohammad Hossein, 1417, Almizan in Quran Interpretation, Qom, Fifth Edition, Seminary Teachers' Society
Tabarsi, Fazl Ibn Hassan, 1372, Majma al-Bayan in Qur'an Interpretation, Tehran, Third Edition, Naser Khosro Publication
Tabari, Abo Jaafar, 1412, Jame al-Bayan in Quran interpretation, Beirut, First Edition, Dar al-Maarefeh
Tarihi, Fakhr al-din, 1375, Majma al-Bahrein, Tehran
Toosi, Mohammad Ibn Hassan, Bita, Al Tebian in Quran Interpretation, Beirut, Dar al-ehya al-toras al-arabi
Ali Ibn Ebrahim Qomi, 1367, Qomi interpretation, Qom, Dar al-ketab
Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, 1409, Qom, Makhzomi Mahdi and Ebrahim Sameraei Publication
Feiz Kashani, Molla Sadra, 1415, Safi Interpretation, Tehran, Second Edition, Alsadr Publication
Goreishi, Ali Akbar, 1371, Quran Dictionary, Tehran, sixth edition, Islamic Library
Qomi, Ali Ibn Ebrahim, 1412, Qomi Interpretation, Beirut, Scientific Institute
Majlesi, Mohammad Bagher, 1395, Bahr al-Anvar, Tehran, Islamic school
Mostafavi, Hassan, 1430, Research on Quranic terms, Beirut, Third Edition, Center of Publishing Allameh Mostafavi's Scientific Works
Motahari, Mortaza, 1375, education in Islam, Qom, Sadra

Makarem Shirazi, Naser et, al, 1383, Sample Commentary, Tehran, 31th Edition, Islamic library

Musavi Hamadani, Mohammad Bagher, 1374, The Translation of Holy Quran from the Al-Mizan ibterpretation, Qom, Islamic Publication of Seminary





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی